

## خنجری که موساد بر پهلوی "پهلوی" فرو کرد!

سعیده روستامنش

همین ابتدا بگویم که اگر فکر می‌کنید، اسرائیل دنبال براندازی جمهوری اسلامی است، این یادداشت را نخوانید! چرا که تحلیلگران مختلف با سلیق متنوع همگی معتقدند که اسرائیل نه دشمن "ایران" است نه خواهان براندازی "ج.ا.". اسرائیل با آن نفوذ عمیقی که در نهادهای اطلاعاتی و اتاق فکرهای نظام دارد، اگر میخواست به راحتی می‌توانست سران نظام را ترور کند و

مطلوب اسرائیل، یک جمهوری اسلامی ضعیف و درمانده است که هم شعار محو اسرائیل را بدهد (و نتانیاهو در دنیا مظلوم‌نمایی کند) هم با نیابتی‌هایش، باعث اتحاد اعراب و اسرائیل شود.

البته "ایران" نباید تبدیل به یک کشور دموکراتیک قدرتمند شود که بتواند شاخ شود برای خود اسرائیل و رقیب تنها دموکراسی خاورمیانه.

حال بپردازیم به ضربه‌ای که موساد به رضا پهلوی و منشور مهسا زد:

۱/ با بوق و کرنا پهلوی را کشانند به اسرائیل و در معیت وزیر اطلاعات این کشور، تور گردشگری برایش گذاشتند و حتی با "کلاه" مذهبی، او را بردند به معبد معروف یهودیها ولی نبردند (یا نرفت) به مسجداً اقصی یا "کلیسای مقدس" مسیحیان در اورشلیم!

۲/ اجازه ندادند (یا خود پهلوی نخواست) با اعراب ساکن اسرائیل یا حتی برخی جناحهای میانه‌روی طرفدار حقوق اندک فلسطینی‌ها دیدار کند، چه رسد به هواخواهان محمود عباس و گروه‌های مبارز فاسطینی.

۳/ موجی در رسانه‌های فارسی‌زبان راه انداختند، از دوستی دو ملت سخنها گفتند و "تابوشکنی" پهلوی را به حد اعلا، ستودند.

۴/ هنوز جای پای پهلوی در اسرائیل خشک نشده بود که نامه تجزیه‌طلبانه ۳۲ نماینده مجلس اسرائیل منتشر شد!

امضا و انتشار این نامه را می‌توان یا یک اتفاق ساده دانست یا یک دسیسه اسرائیلی یا تحت تأثیر اختلاف تهران-باکو.

ولی من معتقدم (اگرچه تاحدی بدبینانه است)، اما برنامه سفر، یک طرح هوشمندانه بود برای:

الف/ سوزاندن و بی‌اعتباری پهلوی و اختلاف‌افکنی میان اپوزیسیون؛

ب/ چزاندن و ضرب شست نشان‌دادن به تهدیدات توخالی ج.ا.؛

ج/ کمک به ماندگاری رژیم ضعیف و بدنام فعلی در ایران.

حالا بیایید این گزاره‌ها را کنار هم بگذاریم تا ببینیم، نگاه بدبینانه من چقدر صحت دارد یا ندارد:

۱/ مهمترین یا مشهورترین ائتلاف اپوزیسیون که با تبلیغات سنگین رسانه‌ای شکل گرفت، با سفر پهلوی، از هم پاشید؛ اسماعیلیون از ائتلاف مهسا خارج شد و از جمع ۶ نفره، فقط ۴ نفر ماند.

۲/ جمعی از اعضای کنست اسرائیل خواهان تجزیه ایران شدند؛ از جمله چند عضو حزب نتانیاهو و خود "لیبرمن" که قبلاً وزیر دفاع و خارجه و حتی معاون نخست وزیر بوده است.

۳/ به نظر شما، حتی اگر ۳۱ نفر از امساکندکان که سیاستمداران باهوش عضو کنست هستند، درک درستی از شرایط و سفر پهلوی و معادلات خاورمیانه و... نداشتند، امضای لیبرمن هم اتفاقی یا ناشی از تحلیل اشتباه وی بوده؟

می‌توان تصور کرد وزیر سابق خارجه و دفاع اسرائیل، تا این حد احمق و بی‌اطلاع باشد؟

۳/ برخی تحلیلهای اشتباه از این نامه مطرح شد که گویا امضای آن، اندکی پس از سفر رسمی الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل به باکو تهیه شده است و تحت فشار حکومت باکو و یهودیان آذری بوده و...

اما یهودیهای اسرائیلی ثابت کرده اند در هر چیزی اختلاف داشته باشند، بر سر تهدید اتمی رژیم ایران متحد اند و منافع ملی را فدای دعوای حزبی نمی‌کنند.

وقتی رئیس "میز اسرائیل" در وزارت اطلاعات ج.ا. خودش جاسوس موساد بود. بی‌اطلاعی یا انفعال موساد از امضای نامه

۳۲ نماینده، چقدر ممکن است؟ نفوذش در اپوزیسیون خارج‌نشین چطور؟

پس:

تلاش‌های مقامات اسرائیلی برای پس‌گرفتن امضای نامه کذابی، یک نمایش زیرکانه است و دیگر هیچ!

اکنون اسرائیل توانسته علاوه بر دهن‌کجی به ج.ا.، رضا پهلوی را که با حربه دفاع از تمامیت ارضی، همه مخالفانش را منکوب میکرد، بدنام کند؛ حتی میان طرفدارانش.

پهلوی اگر ذره‌ای عقل و درایت سیاسی داشت، سفرش را می‌گذاشت برای وقتی که نتانیاهوی بدنام، در راس قدرت نباشد،

اوضاع سیاسی داخلی اسرائیل تا این حد آشفته نباشد و رابطه باکو و تهران تا این حد تیره نباشد؛ آنگاه "شاید" رهاورد سفرش

نمیشد امضای نامه تجزیه ایران.

بله! موساد خنجر تیزی را به پهلوی "پهلوی" فرو کرد و نشان داد، هرگز دنبال براندازی جمهوری.ا. نیست؛ نشان به آن نشان که

در اوج جنبش ژینا، تقاضای یک گروه مخالف ج.ا. را برای ارسال سلاح نپذیرفته بود.

تکرار می‌کنم اسرائیل یک ایران ضعیف، تروریست‌پرور و بدنام بیشتر به کارش می‌آید تا یک ایران دموکراتیک قدرتمند. همانی که در سوریه‌ی بشار اسد میخواست و به آن رسید.

از تجربه تلخ "پهلوی"‌ها و برخی خارج‌نشینان که دل در گروی دولت‌های دیگر بسته اند، درس بگیریم؛ موساد را دست کم

نگیریم و مبارزه را متکی به نیروهای داخل کشور پیش ببریم، نه با اپوزیسیونی که! ..

#فرهیختگان راهی به راهی